

## چالش‌های ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در رویه قضایی

(مقاله علمی-پژوهشی)

مصطفی باقری\*

حسن عالی‌پور\*\*

مهدی فضلی\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

### چکیده

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحولی جدی و مؤثر در نحوه واکنش کیفری و برخورد مناسب با جرایم مستوجب حد یا قصاص نوجوانان بالغ زیر هجده سال به وجود آورده است. به موجب حکم مقرر در این ماده: «در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.»

لیکن به لحاظ اینکه معیارهای مشخصی برای احراز عدم درک ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن و شبهه در رشد و کمال عقل نوجوانان تعیین نگردیده، باعث به وجود آمدن اختلاف‌نظرهای متعدد و چالش‌برانگیز در رویه قضایی حاکم شده است که می‌تواند ناشی از تصمیمات و اظهارنظرهای متفاوت و متناقض کارشناسان پزشکی قانونی و قضات رسیدگی‌کننده به این گونه جرایم نوجوانان و گرایش‌های ذهنی آن‌ها در جریان دادرسی باشد. بنابراین با توجه به چالش‌های مورد اشاره، مناسب است به منظور ایجاد رویه قضایی واحد و جلوگیری از صدور احکام متهاافت و متناقض و سلیقه‌ای در این خصوص، سن مشخصی به عنوان سن مسئولیت کیفری در این گونه جرایم تعیین شود تا همسو با مقررات بین‌المللی با این نوع از جرایم نوجوانان زیر هجده سال برخورد گردد.

### کلیدواژه‌گان:

نوجوانان، ماهیت جرم، رشد جزایی، کمال عقل، مسئولیت کیفری، رویه قضایی.

\* دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران  
Mostafabagheri9899@gmail.com

\*\* استادیار، گروه حقوق، دانشگاه تهران، دانشکده‌گان فارابی (نویسنده مسئول)  
Hassan.Alipour@gmail.com

\*\*\* استادیار، گروه حقوق، واحد ملارد، دانشگاه آزاد اسلامی، ملارد، ایران  
mrmfazli@yahoo.com

## مقدمه

هرچند که یکی از اهداف اجرای مجازات موضوع بازدارندگی آن است و درمورد جرایم مستوجب حد یا قصاص نظیر قتل عمدی، این مجازات‌ها باید به نحوی اعمال گردد که هدف مذکور را علاوه بر حفظ حقوق مجنی‌علیه (اولیاء دم مقتول) نسبت به حقوق جامعه رعایت نماید، لیکن این بحث زمانی که در مورد اطفال و نوجوانان مطرح می‌گردد، متفاوت بوده و با توجه به سن این افراد و شرایط فردی و اجتماعی و جسمانی و روانی که هریک به نحوی مؤثر در ارتکاب جرایم مستوجب حد و قصاص از ناحیه آن‌ها باشند، متفاوت است. قانون‌گذار ایران سعی نموده با الهام از مقررات و قوانین بین‌المللی و همسو با کنوانسیون حقوق کودک که اعدام افراد زیر هجده سال را ممنوع اعلام نموده است، در تصویب ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به نحوی این اختیار را به قضات دهد که تحت شرایطی و با احراز مواردی که در حکم یادشده به آن اشاره شده است، این نوجوانان مرتکب جرایم حد و قصاص را از مجازات‌های سنگین معاف، و به مجازات‌های جایگزین تعزیری مشخص شده محکوم کنند.

در این راستا، عناوین و شرایط به‌کار رفته در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی نظیر احراز رشد و کمال عقل نوجوان به لحاظ عدم وجود معیار و ملاک مشخص و قابل تفسیر بودن از سوی کارشناسان پزشکی قانونی و قضات دادگاه‌ها موجب برداشت‌های مختلف و صدور احکام متهاافت و متعارض مختلف شده است که با هدف اصلی قانون‌گذار همسو نیست.

با توجه به اینکه تحقیقات و بررسی‌های به عمل آمده در خصوص موضوع ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی حول و محور شرایط و چگونگی اعمال این حکم قانونی است و به اختلاف‌نظرهای موجود در رویه قضایی پرداخته نشده است، از این حیث تحقیق پیش‌رو دارای نوآوری است.

نگارنده در این مقاله سعی دارد پس از بررسی و تجزیه و تحلیل مفاهیم به‌کاررفته در ماده ۹۱ که با احراز آن به دادگاه اختیار داده به تبدیل مجازات‌های مستوجب حد و قصاص به مجازات‌های جایگزین تعزیری اقدام نماید، رویه‌های قضایی فعلی در نحوه اعمال این حکم قانونی را با استناد به آرای قضایی صادره از مراجع ذی‌صلاح (شامل دادگاه‌های کیفری یک

استان تهران و شعب دیوان عالی کشور) بررسی، و عوامل مؤثر در وقوع این اختلاف‌نظرها را ارزیابی کند و پیشنهاد لازم را برای ایجاد رویه واحد قضایی ارائه دهد.

### ۱. شناخت مفاهیم

همان‌طور که اشاره شد، مفاهیم به‌کاررفته در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شامل عدم درک ماهیت جرم و حرمت عمل ارتكابی، شبهه در رشد و کمال عقل نوجوانان که در صورت احراز هریک از آنها، دادگاه می‌تواند مرتکبان جرایم موجب حد و یا قصاص افراد بالغ کمتر از هجده سال را با توجه به سن آنها به مجازات‌های تعزیری تعیینی در فصل دهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم نماید، به‌لحاظ قابل تفسیر بودن و عدم وجود معیار و ملاک مشخص در تشخیص آنها نیازمند بحث و بررسی است. عدم درک ماهیت جرم و عمل ارتكابی و شبهه در رشد و کمال عقل در حقیقت ارتباط نزدیکی با مفاهیم «شبهه موضوعی و شبهه حکمی» در حقوق کیفری دارند. در حقیقت قانون‌گذار با بیان مفاهیم به‌کاررفته مورد اشاره در این ماده سعی نموده تا مفهوم نوینی را به مبانی حقوق جزای اطفال و نوجوانان بیفزاید که به دلیل قابل تفسیر بودن، موضوعات مجادله‌برانگیزی است.

در ادامه به بررسی این مفاهیم می‌پردازیم:

#### ۱.۱. عدم درک ماهیت جرم و حرمت عمل ارتكابی

یکی از عوامل مهم مذکور در ماده ۹۱ که می‌تواند با احراز آن حکم به سقوط مجازات حد و قصاص در ارتكاب این نوع جرایم صادر نمود «عدم درک ماهیت جرم یا حرمت آن» است که مانند شرایط احراز مسئولیت کیفری مندرج در مواد ۱۴۰ و ۱۴۴ و ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی است. درواقع تردیدی نیست که «عدم درک ماهیت جرم ارتكابی» ارتباط مفهومی نزدیکی با شبهه موضوعی مندرج در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی دارد که مقرر می‌دارد: «درتحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتكاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه با علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.»

همچنین «درک حرمت جرم ارتكابی» نیز نزدیکی معنایی با شبهه حکمی مقرر در ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی دارد که بیان می‌دارد: «جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.»  
 در ماده ۱۵۵ ق.م.ا. در خصوص شبهه حکمی، «جهل به حکم» در شرایطی که تحصیل علم عادتاً برای فرد ممکن نباشد یا با عذر موجه شرعی همراه باشد، مطرح شده و در ماده ۱۴۴ نیز در خصوص شبهه موضوعی، مسئله عدم علم به موضوع یا همان «جهل به موضوع» مقرر شده است. این دو عبارت در فقه اسلامی به ترتیب تحت عنوان «شبهه حکمیه» و «شبهه موضوعیه» مطرح می‌شوند.<sup>۱</sup>

در عین قرابت معنایی مفاهیم یادشده، لازم به ذکر است که میان آن‌ها یک وجه تمایز اساسی وجود دارد و آن مفهوم «ادراک» است. در ماده ۹۱ صراحتاً از واژه «درک» استفاده شده است که مفهومی پیچیده در حوزه عصب و روان‌شناسی دارد. ادراک از مقولات شناختی مغز و وابسته به عملکرد ذهنی است که یک مفهوم انتزاعی در میان روان‌شناسان و متخصصان علوم شناختی است. به این لحاظ، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار با بیان مقوله درک ماهوی و موضوعی جرم مذکور، صرفاً مفهوم «شبهه موضوعی و حکمی» را منظور نظر نداشته، بلکه امری فراتر از آن را مد نظر قرار داده است. درواقع، تلاش نموده تا مقوله ادراک را به عنوان یکی از اجزای حاضر مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان مطرح نماید، لذا این مفاهیم، معادل هم نیست و مفاهیم «عدم درک ماهیت و حرمت جرم»، افزون به احکام «شبهه موضوعی و حکمی» شامل ضوابطی در احراز قدرت ادراکی لازم در ارتكاب جرم نیز است؛ چراکه در غیر این صورت، توجه خاص قانون‌گذار به موضوع درک ماهوی و موضوعی در ماده ۹۱ امری بیهوده، و همان احکام مورد اشاره در مواد ۱۴۴ و ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان نیز قابل تسری می‌بود.

همچنین به کاربردن مفهوم «درک ماهیت و حرمت جرم» به جای «علم به موضوع و حکم» در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی نمی‌تواند یک مسئله تصادفی یا بی‌دلیل باشد و یقیناً مقنن حکیمانه در تصریح مقوله درک در خصوص کودکان، تلاش نموده که قانون مجازات اسلامی را

۱. محمدی، فرزاد، *مبانی فلسفی حقوق جزا*، نشرزیرین اندیشمند، ۱۳۹۹، صص ۳۸۹-۳۹۰.

به شاخص‌های نوین دانش کنونی اعصاب و روانشناسی کودک نزدیک سازد و مسئله ضعف توان شناختی کودک را در قیاس با بزرگسالان مد نظر قرار دهد.

«درک» موضوع و حکم، یک مسئله است و «علم» بدان‌ها مسئله‌ای دیگر. درحقیقت، درک مقدم بر علم است و برای بزرگسالان برخلاف کودکان، دارا بودن حداقل قدرت ادراکی لازم در جرم ارتكابی به سبب فرض بلوغ عقلی اصولاً مفروض است. این نکته را هم باید افزود که حکم ماده ۹۱ به ارزیابی میزان «درک» کودک و نوجوان، منحصرأ در رابطه با جرایم حدی و قصاص نیست، بلکه کلیه جرایم تعزیری را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین درمورد بزهکاری کودکان و نوجوانان، افزودن براحکام شبهه حکمی و موضوعی، ارزیابی درک او نسبت به جرم ارتكابی نیز باید در تعیین مسئولیت کیفری مد نظر دادگاه قرار گیرد.

البته با توجه به پیچیدگی و ذهنی بودن مفهوم «ادراک» و نبود شاخص‌های عینی مطلق برای احصای دقیق آن، تشخیص این موضوع به مراتب با دشواری‌های بسیار زیادی همراه است. بدین دلیل تشخیص دقیق و موشکافانه این مفاهیم، کمک می‌کند تا از عملکرد سلیقه‌ای و گاه تبعیض‌آمیز از سوی قضات و کارشناسان پزشکی قانونی جلوگیری به عمل آید.

## ۱.۲. رشد

رشد در اصلاح فقهی و حقوقی به معنای عقل کامل و درک و عدم سفاهت است و به دارنده آن رشید می‌گویند که در مقابل سفیه است. به همین دلیل نویسنده ترمینولوژی حقوقی بیان می‌کند که رشید را بالغ کامل می‌گویند. هر رشیدی عاقل است، ولی هر عاقلی رشید نیست، مانند سفیه که عاقل محسوب می‌شود، ولی رشید نیست. به همین دلیل، عنوان کمال عقلی را برای رشید به کار برده‌اند. ایشان همچنین بیان کرده‌اند که رشید، کیفیت نفسانی است که دارنده آن می‌تواند نفع و ضرر (در رشد مدنی) یا حسن و قبح (در رشد جرایمی) را تشخیص دهد. چنین شخصی را رشید می‌گویند و فاقد این وصف اگر به حدّ جنون نرسیده باشد و صغیر نباشد، همواره سفیه خوانده می‌شود و صفت او را سفیه می‌گویند. اما باید توجه داشت که عقل در مقابل جنون، غیر از عقل یا رشد در مقابل سفیه است؛ چراکه سفیه، نقصان عقل و نداشتن کمال عقل است، ولی جنون، فقدان عقل است.<sup>۱</sup>

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مقدمه عمومی علمی حقوق، گنج دانش، ۱۳۸۳، ص ۳۳۴.

اغلب فقها و حقوق‌دانان بین رشد در امور مدنی و رشد در امور کیفری، تفاوت قائل شده و در امور مدنی رشد را شرط دانسته‌اند و در امور کیفری آن را شرط نمی‌دانند.

برخی اساتید حقوق بیان می‌کنند که ملاک رشد و سفه تشخیص نفع و ضرر مالی است نه حُسن و قبح غیرمالی. در حالت کلی می‌توان گفت که رشد در اصطلاح کیفیت نفسانی است که دارنده آن می‌تواند نفع و ضرر (در رشد مدنی) و حسن و قبح (در رشد جزایی) را تشخیص دهد. چنین کسی را رشید می‌گویند و فاقد این وصف اگر به جنون نرسد و صغیر هم نباشد، سفیه خوانده می‌شود.<sup>۱</sup>

در قرآن کریم، رشد غالباً در مقابل «غی» و به معنای خیر و صلاح و هدایت استعمال شده است. از آن جمله که در آیه ۵۱ سوره انبیا به معنای ادراک و به معنای حسن تصرف در اموال در آیه ۶ سوره نساء نیز استعمال شده است. از مقایسه معنایی که در قرآن کریم برای رشد آمده است، می‌توان نتیجه گرفت که رشد به معنای هدایت و درک و تشخیص در امر مختلف مفهومی عرفی است و دارای حقیقتی واحد است که این درک و تشخیص و هدایت با توجه به مصادیق و موضوعات مختلف مالی و غیرمالی و از جمله امور کیفری متفاوت می‌شود و علاوه بر این تبیین می‌شود که رشد مفهوم عامی است که اختصاص به امور مالی ندارد و امور کیفری را هم در برمی‌گیرد. امروزه حقوق‌دانان و صاحب‌نظران کیفری، مسئله شرط بودن رشد در مسئولیت کیفری را مطرح و تبیین کرده‌اند. در این صورت به مفهوم رشد در امور کیفری باید پرداخته شود؛ بدین معنی که رشد جزایی در مقابل سفه که در رشد مدنی است، نیست؛ زیرا رشد جزایی عبارت است از آن که عقل به مرتبه‌ای از کمال برسد که بتواند مسئولیت کیفری را تشخیص بدهد، اما اگر کسی عاقل باشد، ولی نتوانسته باشد به مسئولیت کیفری خود در مقابل عملی که انجام می‌دهد، آگاهی داشته باشد، رشد جزایی ندارد؛ به این دلیل که شخصی که نمی‌تواند تشخیص دهد عمل وی جرم است، با دیوانه که او نیز این تشخیص را ندارد، تفاوتی نمی‌کند و اگر بنا باشد چنین شخصی را که قدرت تشخیص ندارد، بتوانیم مجازات نماییم، لازم است که شخص دیوانه را نیز بتوانیم به مجازات برسانیم؛ زیرا ملاک در مجازات، تشخیص مجرم است.<sup>۲</sup>

۱. مرعشی شوشتری، محمد حسن، *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*، نشر میزان، ۱۳۷۹، ص ۵.

۲. همان، ص ۵.

اما مسئله مهمی که در عبارت بالا بدان اشاره نشد، این است که معمولاً از چه سنی کودک و نوجوان می‌تواند مسئولیت کیفری و عواقب اعمال خود را تشخیص دهد. به نظر می‌رسد انسان در سنین پایین‌تر حتی قبل از بلوغ، می‌تواند زشتی و نادرست بودن عمل را تشخیص دهد؛ چه این که یکی از حقوق‌دانان در بیان رشد کیفری به این نکته توجه کرده است و بیان می‌کند میزان رشد کیفری، تشخیص بدی و خوبی کارهاست.<sup>۱</sup>

همچنین در مورد رشد مدنی که میزان آن شناخت نفع و ضرر است، سن در معیار جزایی، کمتر از معیار مدنی است؛ در نتیجه به نظر می‌رسد مسئله تشخیص خوبی و بدی، به تنهایی کافی نباشد، بلکه باید فرد به میزانی از درک و شعور برسد که فهم قبح عمل را تشخیص دهد و هم آثار و نتایج زیان‌بار عمل خود را پیش‌بینی نماید و در نتیجه، تشخیص حداقلی خوبی و بدی عمل، به تنهایی کافی نیست. کودکان تا حدی درک می‌کنند، ولی برای پذیرش مسئولیت کیفری این میزان کافی نیست.<sup>۲</sup>

همان‌طور که ذکر شد، رشد به معنای درک و توانایی فکری و عقل است و رشد کیفری نیز مصداقی از این درک و عقل است. مطابق نظر فقها و حقوق‌دانان، ملاک تشخیص رشد کیفری با رشد مدنی فرق می‌کند؛ چون ملاک رشد در امور مدنی تشخیص نفع و ضرر است، ولی در امور کیفری حسن و قبح و خوبی و بدی است. در این خصوص، یکی از اساتید حقوق بیان می‌نماید رشد کیفری حالت نفسانی است که دارنده آن توانایی تشخیص خوبی از بدی و حسن و قبح را دارد.<sup>۳</sup>

این که رشد کیفری به معنای صرف تشخیص خوب از بد و حسن و قبح باشد، قابل مناقشه است که در بحث جایگاه رشد در تحقق مسئولیت کیفری به آن پرداخته می‌شود. البته در اینجا لازم است بیان گردد که رشد کیفری به معنای عقل و درک و تمیز است، ولی این معنا نباید موجب این تصور شود که مراد از عقلی که در موارد مربوط به حدود و قصاص به کار برده شده است و از عقل به عنوان یک از شرایط ثبوت حد و قصاص اسم برده شده، همین ادراک و تمیز است، بلکه مراد از عقل در این موارد، فعالیت و روند طبیعی قوای ادراک و عدم ابتلا به جنون

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، پیشین، ص ۳۳۴.

۲. همان، صص ۳۲۵ و ۲۰۵۱.

۳. همان.

است و منظور از رشد جزایی درک و تمیز بوده که شرایط مسئولیت کیفری است. به نظر می‌رسد که رشد کیفری عبارت باشد از آن که عقل به مرتبه‌ای از کمال برسد که بتواند مسئولیت کیفری را تشخیص دهد؛ اما اگر کسی عاقل باشد ولی نتواند به مسئولیت کیفری خود در مقابل عملی که انجام می‌دهد آگاهی داشته باشد، رشد کیفری ندارد.<sup>۱</sup>

این جنبه از رشد کیفری قابل توجه است که رشد کیفری، به خصیصه تکامل‌پذیری عقل نظر داشته باشد و در واقع، تکامل قدرت درک و تمیز در امور جزایی را باید به معنای رشد کیفری دانست. یکی دیگر از حقوق‌دانان در این زمینه می‌نویسد که رشد کیفری به خصیصه تکامل‌پذیری عقل مربوط می‌شود. این واژه در حقوق جزا به مقطعی از فرایند تکامل جسمی و عقلی انسان اطلاق می‌شود که از آن مقطع به بعد، تشخیص در برابر جرایم ارتكابی دارای مسئولیت جزایی و برخوردار از اهلیت جزایی می‌گردد. از تعاریفی که برای رشد کیفری گفته شد، نکته مهمی قابل برداشت است و آن توجه به این تعاریف به تکامل تدریجی قوای عقل انسان است.<sup>۲</sup> این حقوق‌دانان همچنین آورده‌اند که چون سرعت رشد و قوای جسمی و عقلی در افراد مختلف یکسان نیست، قانون‌گذار برای اجرای یکسان و هماهنگ مقررات جزایی ناگزیر به استفاده از ملاکی است که از یک سو سهل‌الوصول و برای همگان قابل فهم بوده و از سوی دیگر، بیشترین مطابقت را با درجه لازم از رشد ادراکی و جسمی داشته باشد. این ملاک و عامل، چیزی جز سن نیست؛ به این دلیل نظام‌های مختلف سن خاصی را به عنوان سن رشد یا سن قانونی یا سن کبر پیش‌بینی کرده‌اند.<sup>۳</sup>

### ۱.۳. کمال عقل

منظور از این اصطلاح، بلوغ و عدم جنون است.<sup>۴</sup> برطبق مطالب پیشین، رشد در امور کیفری را که در بحث مجازات‌ها مطرح است، باید همان کمال عقل یا رسیدن فرد بالغ به مرحله‌ای که برخوردار از تفکر آگاهانه شده بوده و قادر به درک ماهیت عمل مجرمانه باشد، دانست و این مرحله‌ای است که شخص مستعد پذیرش مسئولیت تام کیفری بوده و در واقع شخصی است که

۱. موسوی بجنوردی، سید محمد، *اندیشه‌های حقوقی*، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۶، ص ۲۳۲.

۲. میر سعیدی، سید منصور، *مسئولیت کیفری*، قلمرو و ارکان، نشر میزان، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴.

۳. همان، ص ۱۱۱.

۴. رهامی، محسن، *اقدامات تامینی و تربیتی*، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۱۶۷.



از بلوغ کیفری برخوردار است و شایسته است که مانند افراد بزرگسال مورد بازخواست و مجازات قرار گیرد و اگر بخواهیم میانگین سنی را برای رشد کیفری در نظر بگیریم، هجده سال سن قابل قبولی می‌تواند باشد. با عنایت به این مسئله که باید برای رشد در تحقق مسئولیت کیفری جایگاه ویژه‌ای قائل شد و نمی‌توان آن را مختص امور مالی دانست.

اصلاح رشد به معنای عقل و بلوغ فکری نیز به کار رفته است و اصلاح «سفیه» و «ضعیف» اختصاص به مسائل مالی که در قرآن و برخی روایات ذکر شده است، ندارد و براساس روایات، رشد شامل مسائل کیفری نیز می‌شود و در واقع، آنچه در تفسیر آیه رشد مطرح شده است و آن را به امور مالی و توانایی به حفظ مال تعریف نموده‌اند، فقط بیان و تفسیر مورد آیه است. از این رو رشد یک مفهوم «عام» است و نه یک مفهوم خاص، تا فقط شامل امور مدنی شود، بلکه شامل امور کیفری نیز می‌شود، بدین معنی که رشد در امور کیفری نیز شرط است.

## ۲. چالش‌های موجود در دیدگاه قضایی

با عنایت به اینکه قانون‌گذار در تقنین ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی و جایگزینی مجازات تعزیری به جای مجازات‌های مستوجب حد و قصاص با احراز شرایط مقرر در ماده مذکور، رویکردی را دنبال کرده تا همسو با مقررات بین‌المللی و جلوگیری از اجرای مجازات‌های سالب حیات نوجوانان، رویه قضایی به سمت عدم تعیین و اجرای این‌گونه مجازات‌ها سوق پیدا کند، لیکن با بررسی رویه قضایی حاکم ملاحظه می‌گردد با دو رویه قضایی موافق با اعمال ماده ۹۱ و تعیین مجازات‌های جایگزین حدود و قصاص و رویه قضایی مخالف با آن مواجه هستیم.

در آرای قضایی موافق با تعیین مجازات‌های جایگزین حد و قصاص با الهام از ظرفیت ماده ۹۱ و چراغ سبزی که قانون‌گذار برای جایگزینی مجازات‌های این‌گونه جرایم اطفال و نوجوانان به قضات و دادگاه‌ها نشان داده است و با توجه به قوانین و مقررات بین‌المللی و کنوانسیون حقوق کودک که ایران نیز به آن ملحق گردیده و با محوریت سن مرتکبین این نوع جرایم که افراد بالغ زیر هجده سال می‌باشند، با استناد به نظریه کارشناسان پزشکی قانونی که همسو با شرایط مقرر در ماده ۹۱، معمولاً نظر به عدم درک ماهیت جرم یا شبهه در رشد و کمال عقل نوجوان مرتکب جرم دارند و یا حتی برخلاف نظریه پزشکی قانونی که شرایط فوق را احراز نموده‌اند و با استدلال در رد نظریه پزشکی قانونی در شرایطی که به ضرر متهمان نوجوان است

و با اشاره به ادله و مستندات که موضوعات درک ماهیت جرم یا حرمت عمل ارتكابی و یا احراز رشد و کمال عقل را با شبهه مواجه می‌نماید، حکم به سقوط مجازات‌های حدی یا قصاص داده و نسبت به تعیین مجازات‌های جایگزین تعزیری اقدام می‌نمایند.

در مقابل رویه قضایی مخالف با تعیین مجازات‌های جایگزین حدود و قصاص با رویکرد سنتی و بدون توجه به سن مرتکبین که افراد بالغ زیر هجده سال می‌باشند، به بررسی ادله و مستندات و قرائن و شواهد موجود در پرونده می‌نمایند و به دلیل اینکه حق قصاص را حق الناس دانسته و از گذشته‌ای دور تاکنون آن را به موجب حکم شرع، حق اولیای دم می‌دانند، در مقابل تعیین مجازات‌های جایگزین حدود و قصاص مقاومت نشان داده و اعتقادی به اعمال آن ندارند. این رویه ضمن اینکه مخالف نظر مقنن در تصویب ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مبنی بر جایگزینی جرایم مستوجب حد و قصاص افراد بالغ کمتر از هجده سال در صورت عدم درک ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن و یا شبهه در رشد و کمال عقل آن‌ها است، با قوانین و مقررات بین‌المللی نیز سازگار نیست و موجب تضییع حقوق نوجوانان مرتکب اینگونه جرایم می‌گردد. در ادامه به نمونه آرای صادره از هر دو دیدگاه اشاره می‌گردد تا با تجزیه و تحلیل استدلال‌های به عمل آمده در رویه‌های متفاوت مورد اشاره، عوامل مؤثر در بروز این اختلاف نظر مشخص گردیده و راهکار مناسب برای رفع آن پیشنهاد گردد.

### ۲.۱. آرای قضایی موافق با تعیین مجازات‌های جایگزین

در آرای قضایی موافق، قضات دادگاه‌ها معتقدند که با استفاده از ظرفیت موجود در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی و با احراز شرایط مقرر در آن می‌توان در جرایم موجب حد یا قصاص اطفال و نوجوانان بالغ زیر هجده سال مرتکب این گونه جرایم را در صورتی که ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکرده باشند یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، به مجازات‌های جایگزین محکوم نمود.

به‌عنوان نمونه در دادنامه شماره ۳۳۲۰۰۳۳۲۰۲۳۳۲۰۹۹۷۰۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۰۷ صادره از شعبه

پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران (ویژه جرایم اطفال و نوجوانان) آمده است که:

متهم (الف) متولد ۱۳۷۹/۱۰/۲۴ که در زمان وقوع جنایت حدود ۱۶ ساله بوده و دارای رشد و کمال نبوده و ماهیت جرم انجام‌شده و ماهیت جرم انجام‌شده و حرمت آن را درک نمی‌کرده،

به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیای دم و تحمل پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم گردیده است. پس از فرجام‌خواهی از این رأی، پرونده به شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور ارجاع که شعبه مرجوع‌الیه طی دادنامه صادره شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۸۷۰۰۵۳۸ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۷ مبادرت به نقض رأی فرجام‌خواسته و ارجاع به شعبه هم‌عرض می‌نماید. استدلال شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در نقض رأی شعبه پنجم به این شرح است: «استدلال دادگاه محترم صادرکننده رأی دائر بر اینکه با توجه به نظریات پزشکی قانونی و تحقیقات انجام شده از متهم در جلسات رسیدگی نامبرده در زمان ارتکاب قتل، دارای رشد و کمال عقلی نبوده و ماهیت جرم انجام شده و حرمت آن را درک نمی‌کرده است.» مخدوش و غیر قابل ابرام است. بنابراین مراتب فرجام‌خواهی آقای وکیل اولیای دم از دادنامه شماره ۹۷۰۰۳۳۲-۹۷۰۹/۰۷/۱۳۹۷ صادره از شعبه پنج دادگاه کیفری یک تهران موجه تشخیص و ضمن نقض دادنامه فرجام‌خواسته، رسیدگی مجدد به دادگاه هم‌عرض صادرکننده رأی منقوض ارجاع می‌گردد.

پرونده به شعبه هم‌عرض که شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران (ویژه جرایم اطفال و نوجوانان) است ارجاع شده و شعبه مذکور طی دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۵۵۰۰۵۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۸ با این استدلال که: «به دلالت محتویات پرونده و مستنبط از متون قانونی امر مسجل و محرز می‌باشد که متهم در زمان ارتکاب جرم از کمال عقل و رشد برخوردار نبوده و حرمت عمل ارتكابی را نمی‌دانسته، چرا که:

الف) اماره قانونی رشد، سن رشد را هجده سال بیان می‌کند هرچند این اماره عموماً به معاملات و تصرف شخصی در اموال و صلاحیت و اهلیت وی اطلاق می‌گردد، ولیکن از نقطه نظر جزایی این نیز منعی در جهت توجه و استناد به آن وجود ندارد.

ب) قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی در ماده ۹۱ مصوب ۱۳۹۲ شرط بار نموده که مجازات قصاص و حدود درمورد نوجوانان بالغ زیر هجده سال با احراز رشد و کمال عقل از یک سو و عدم علم به حرمت شرعی از سوی دیگر لازم و به آن تصریح نموده و این به آن معنا است که هرچند مطابق با مواد دیگر قانون مجازات اسلامی نظیر مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ صرف رسیدن به بلوغ کفایت در توجه به مسئولیت کیفری می‌نماید، ولیکن در حدود و قصاص علاوه بر احراز بلوغ و رشد و کمال عقل مرتکب، احراز علم وی به حرمت رفتار ارتكابی نیز تکلیف

محکمه است و بر همین اساس صرف بلوغ در زمان ارتکاب جرم یا جنایت محکمه را بی‌نیاز از احراز رشد و کمال در متوجه نمودن مجازات شرعی و قانونی نمی‌نماید. در نتیجه دادگاه علاوه بر احراز بلوغ مرتکب می‌بایستی رشد و کمال عقل را نیز بر نظیر مانحن فیه احراز نماید.

ج) از مذاقه در بعضی مواد قانون مجازات اسلامی نظیر ماده ۱۸۹ آن قانون نیز مستحق کیفر و تعزیر و مجازات ندانسته و اصلاح تربیت آن را تجویز و تأکید نموده است و این به آن معنا است که از نظر قانون‌گذار حتی در این قبیل جرایم نیز عدم تربیت یا تربیت ناقص یا ناصواب دلیل ارتکاب جرم فرض شده است که به جای مجازات، اصلاح و تربیت تجویز گردیده است و به عقیده این محکمه یکی از مصادیق تربیت آگاه نمودن نوجوانان به ماهیت و یا حرمت رفتارهای ارتكابی است که از نظر قانونی و شرعی صبغه مجرمانه دارند و در نتیجه در جرایم مستوجب حد یا قصاص که احتیاط در اعمال آنها از تأکیدات شرع مقدس و قانون است و با صرف حدوث شبهه این قبیل مجازات‌ها مرتفع می‌شود و می‌بایست اصل را به عدم کمال عقل و یا اطلاع مرتکب غیررشد از حرمت و ماهیت رفتار ارتكابی استوار نمود و برای رفع شبهه تحصیل یا اقامه دلیل نمود و به عبارت دیگر ارتکاب جنایت از سوی فرد غیررشد با وجه غالب دلالت بر عدم رشد و کمال عقل وی و جهل وی به حرمت ماهیت رفتار ارتكابی دارد و بر همین اساس اثبات رشد و کمال عقل وی محتاج تحقیق و کسب دلیل است و نه عدم آن.

د) انگیزه بیان شده از سوی متهم در طول تحقیقات مقدماتی و دادرسی در جهت ارتكابی جنایت، بیانگر این است که متهم جاهل به حرمت و ماهیت رفتار ارتكابی بوده و حتی از تربیت ابتدایی صحیح نیز برخوردار نبوده است و کمیسیون ۷ نفره پزشکی قانونی اظهار نظر نموده رشد و کمال عقلانی در زمان ارتکاب جرم احراز نگردید، لذا متهم را به پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت تهران با احتساب و کسر ایام بازداشت قبلی و پرداخت یک دیه کامل مرد مسلمان ظرف مهلت یک سال از تاریخ جنایت در حق اولیای دم محکوم نموده است.»

این رأی در شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور طی دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۸۷۰۰۸۷۶ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۴ ابرام شده است.

ملاحظه می‌گردد در آرای قضایی همسو با هدف مقنن و رعایت مصالح فردی و اجتماعی و بین‌المللی، با تعیین مجازات‌های جایگزین جرایم مستوجب حد و قصاص در مورد نوجوانان بالغ زیر هجده سال، ضمن استفاده از این ظرفیت قانونی از تعیین مجازات‌های سالب حیات و ... در

ارتکاب این‌گونه جرایم نسبت به اطفال و نوجوانان خودداری شده و نسبت به تعیین مجازات‌های جایگزین تعزیری مبادرت نموده که اقدامی مناسب و همسو با نظر مقنن به نظر می‌رسد.

**۲.۲. شاخص‌های مهم ماده ۹۱ در آرای قضایی موافق جهت تعیین مجازات‌های جایگزین**  
با نگاهی به منطوق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ که مقرر می‌دارد: «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آن شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند». ملاحظه می‌گردد مشخصاً سن خاصی مورد نظر قانون‌گذار بوده و آن هم نوجوان زیر هجده سال است که در صورت ارتکاب جرایم مستوجب حد یا قصاص، در صورتی که ماهیت جرم ارتكابی یا حرمت شرعی رفتار ارتكابی را درک نکرده باشند و یا در رشد و کمال عقل آن‌ها شبهه وجود داشته باشد، به جای حد (شلاق) یا قصاص به مجازات‌های جایگزین پیش‌بینی شده در قانون (مواد ۸۸ و ۸۹) محکوم می‌گردند. بنابراین سن زیر هجده سال که به‌عنوان یک اصل در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی به‌عنوان شاخصه جایگزینی جرایم حدود و قصاص نوجوانان تعیین گردیده، یکی از معیارهای اصلی مورد توجه از سوی قضات دادگاه‌ها در رسیدگی به جرائم نوجوانان مشمولان این حکم قانونی است. همچنین شاخص‌هایی نظیر عدم درک ماهیت جرم یا حرمت عمل ارتكابی و شبهه در رشد و کمال عقل نوجوانان این امکان را به دادگاه‌ها می‌دهد که همگام با هدف قانون‌گذار نسبت به تعیین مجازات‌های جایگزین حد و قصاص این گروه سنی اقدام نمایند.

### **۲.۳. آرای قضایی مخالف با تعیین مجازات‌های جایگزین**

در مقابل، رویه دیگری وجود دارد که اعتقادی به تعیین مجازات‌های جایگزین در عمل ندارد و با رویکردی سنتی و بدون توجه به معیار اساسی سن اطفال و نوجوانان در جرایم حد و قصاص، نسبت به تعیین مجازات مشابه افراد بزرگسال می‌نماید و تفاوتی از این نظر بین آن‌ها قائل نیستند، به‌واقع وجود و تصویب ماده ۹۱ هیچ تأثیری در عقیده قضایی آن‌ها ندارد و هیچ خاصیتی برای آن قائل نیستند و کماکان با رویکردی سنتی و بر اساس بررسی نحوه ارتکاب جرم و ادله موجود در پرونده بدون در نظر گرفتن شخصیت و سن نوجوانان مرتکب این‌گونه جرایم مبادرت به صدور احکام مستوجب حد و قصاص می‌نمایند.

به عنوان نمونه، در پرونده‌ای که موضوع آن ارتکاب قتل عمدی از سوی نوجوان ۱۷ ساله‌ای بوده و مقتول نیز جوان ۲۱ ساله‌ای بوده است، در دو مرحله شعب دهم و هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران با احراز عدم رشد و کمال عقل نوجوان مرتکب قتل عمدی حکم به پرداخت دیه و پنج سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت صادر نموده که در هر دو مرحله شعبه اول دیوان عالی کشور نسبت به نقض دادنامه‌های مورد اشاره اقدام و پرونده را به شعبه هم‌عرض ارجاع نموده است که در مرحله سوم، شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران (ویژه جرایم اطفال و نوجوانان) طی دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۳۳۵۲۳۱ مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۴ چنین رأی داده است: «با توجه به اقرار صریح و مقرون به واقع متهم در کلیه مراحل رسیدگی و جلسه این دادگاه مبنی بر قتل عمدی مقتول گزارش معاینه جسد در خصوص علت فوت که منطبق با اظهارات متهم در چگونگی ارتکاب قتل دارد این دادگاه بزهکاری وی را محرز و مسلم دانسته، اگرچه متهم در برخی جلسات دادرسی و دادگاه اظهار داشته قصد کشتن مرحوم را نداشته و صرفاً قصد ترساندن داشته، لیکن توصیفی که وی از نحوه اقدام خود داشته از قبیل نزدیک شدن به متهم و تهیه حشیش برای ایشان و تدارک ابزار لازم برای عملی کردن تصمیم خود حاکی از سبق تصمیم در به قتل رساندن مرحوم داشته است. همچنانکه ایشان پس از اینکه با دستمال دورگردن مرحوم را فشار داده، به جهت اینکه تردید داشته که هنوز زنده باشد اقدام به بستن تسمه دور گردن مرحوم نموده است و مجموع اقدامات ایشان علاوه بر اینکه مؤید قصد ایشان در کشتن بوده حاکی از دارا بودن شرایط مسئولیت کیفری شامل عقل، بلوغ و اختیار است و نظریه پزشکی قانونی نیز وی را در زمان ارتکاب بزه دارای قوه تمیز و اراده دانسته و از رشد و کمال عقلی لازم نیز برخوردار بوده و در جلسه این دادگاه نیز با وجود تفهیم نظریه پزشکی قانونی به وکیل متهم اعلام داشته‌اند نسبت به آن اعتراضی ندارند. همچنین دفاعیات متهم و وکیل ایشان نیز در ارتباط با اعتقاد متهم به مهدورالدم بودن قابل پذیرش نیست؛ چراکه متهم در هیچ یک از مراحل رسیدگی اولیه اشاره‌ای به این موضوع ننموده است.» به این ترتیب ادعای متهم و وکیل ایشان مبنی بر قتل مرحوم به اعتقاد به مهدورالدم بودن قابل پذیرش نیست. لذا با توجه به احراز ارتکاب قتل مرحوم توسط متهم با سبق تصمیم با اقرار صریح و مقرون به واقع وی و جمع شرایط مسئولیت کیفری و عدم وجود و احراز موانع مسئولیت کیفری و تقاضای اولیاء دم مقتول مبنی بر قصاص متهم، حکم بر قصاص متهم صادر و اعلام شده است.

همان‌طور که اشاره شد، شعبه اول دیوان عالی کشور پس از اینکه دو بار آرای صادره در مورد این نوجوان ۱۷ ساله را که از سوی شعبه دهم و هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران با استناد به ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی صادر گردیده بوده و نسبت به تعیین دیه و مجازات جایگزین قصاص که پنج سال حبس و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت بوده است، پس از صدور حکم قصاص از سوی شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان به شرحی که گذشت، طی دادنامه شماره ۹۰۰۰۵۳۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۳ به شرح ذیل ابرام نموده است:

«آنچه در دادنامه فرجام‌خواسته مبنی بر قصاص علیه آقای الف مورد لحوق حکم قرار گرفته است، با توجه به رسیدگی‌های معموله، جهات و مبانی صدور آن صائب و منطبق با محتویات پرونده محاکماتی و ادله ابرازی در آن می‌باشد و فرجام‌خواهی و کیل نام‌برده و مراتب اشعاری در لایحه ابرازی که عمدتاً تکرار مدافعات قبلی و مورد لحاظ در دادرسی می‌باشد مؤثر در مقام نقض رأی تشخیص داده نمی‌شود و چون از حیث مغایرت با موازین شرعی و قانونی ایراد و اشکالی نیز ملاحظه نمی‌گردد با رد اعتراض فرجامی دادنامه فرجام‌خواسته را تأیید و ابرام می‌نماید.»

ملاحظه می‌شود این گروه از قضات بدون توجه به فلسفه تقنین ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سن نوجوانان مرتکب جرایم مستوجب حد و قصاص و بر اساس نحوه ارتکاب جرم و ادله اثباتی و مطابق رویه سنتی و تحت تأثیر گرایش‌های ذهنی و مسائل فقهی و احکام شرع مبادرت به صدور احکام قصاص می‌کنند و اعتقادی به تعیین مجازات‌های جایگزین این‌گونه جرایم ندارند که نتیجه آن صدور احکام سالب حیات و اجرای حدود در مورد این قبیل اطفال و نوجوانان بزهکار است که دارای تبعات فردی و اجتماعی و بین‌المللی است.

#### ۲.۴. عوامل مؤثر در اختلاف رویه موجود

با بررسی هر دو دیدگاه در رویه قضایی فعلی نسبت به اعمال مقررات ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی به نظر می‌رسد عدم تعیین سن مشخص و خاصی به عنوان مبنای تعیین مجازات‌های حدود و قصاص برای نوجوانان در این ماده موجب گردیده، نوجوانان بزهکار در شرایط یکسان در مقابل تصمیمات متهاافت و متناقض کارشناسان پزشکی قانونی و قضات دادگاه‌ها که ناشی از گرایش‌های ذهنی آن‌ها در روند رسیدگی به پرونده قرار گیرد و به صورت سلیقه‌ای با آن‌ها رفتار شود و در این موارد شاهد صدور احکام چالش‌برانگیز باشیم. همچنین از عوامل مهم دیگر در این

خصوص می‌توان به عدم وجود آزمون استاندارد و قابل اعتمادی که بتوان مطابق آن نسبت به سن رشد و کمال عقل نوجوانان بزهکار اقدام نمود، اشاره کرد که در عمل موجب می‌شود معیار و سنجش مشخص و همسو با مقررات بین‌المللی در اختیار نباشد.



### نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه شد، موضوع رشد و کمال عقل در نوجوانان بالغ زیر هجده سال و عدم درک ماهیت جرم یا حرمت عمل ارتكابی از سوی آن‌ها در جرایم مستوجب حد و قصاص که در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان یک نوآوری و تلاش در جهت همسو نمودن قوانین داخلی با مقررات بین‌المللی و کنوانسیون حقوق کودک به تصویب رسیده است، به جهت اینکه معیار مشخص و قابل اعتمادی برای تعیین سن رشد وجود ندارد و در عمل نیز تصمیمات متفاوتی از سوی کارشناسان پزشکی قانونی و روانشناسان و قضات دادگاه‌ها به جهت گرایش‌های ذهنی متفاوت آن‌ها در این رابطه اتخاذ می‌گردد، از موضوعات چالش‌برانگیز در ارتكاب این جرایم از سوی نوجوانان است و همین امر باعث گردیده مشکلات و ابهامات زیادی در عمل به وجود آید و موجب چالش‌های مختلف و اختلاف‌نظرهای عمده‌ای شود و به صدور آرای متهاافت و متناقض در رابطه با اینگونه جرایم نوجوانان بالغ زیر هجده سال بینجامد.

در حال حاضر، برخی از قضات با استناد به ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی و همسو با اهداف قانون‌گذار در تقنین این ماده و رعایت مصلحت نوجوانان بزهکار مشمول مجازات‌های حدی و قصاص و مصالح اجتماعی و بین‌المللی مبادرت به تعیین مجازات‌های جایگزین مورد نظر در خصوص این افراد می‌نمایند و در رویه قضایی دیگری با نگاه سنتی و بدون توجه به سن نوجوانان بالغ زیر هجده سال، منجر به صدور احکام سالب حیات و قصاص می‌گردد که تبعات خاص خود را دارد و با فلسفه تقنین ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مخالف است. از این‌رو به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی و جلوگیری از صدور آرای متهاافت و متناقض در برداشت از این ماده قانونی مناسب است، مقنن با اصلاح ماده ۹۱ و تعیین سن مشخص به عنوان تنها معیار تعیین مجازات جایگزین حدود و قصاص برای نوجوانان بالغ زیر هجده سال به این اختلاف نظر در رویه قضایی خاتمه داده، همسو با قوانین و مقررات بین‌المللی ضمن حمایت از اطفال و نوجوانان بزهکار زمینه اصلاح و بازگشت آن‌ها را به جامعه فراهم نماید.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. آقای جنت مکان، حسین، *حقوق کیفری عمومی (کیفر شناسی نو)*، جلد ۳، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
۲. اردبیلی، محمد علی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۱، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *مقدمه عمومی علم حقوق*، گنج دانش، ۱۳۸۳.
۴. رهامی، محسن، *اقدامات تأمینی و تربیتی*، نشر میزان، ۱۳۹۲.
۵. صانعی، پرویز، *حقوق جزای عمومی*، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۱.
۶. فرهی، بابک، *آئین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات طرح نوین، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۷. محمدی، فرزاد، *مبانی فلسفی حقوق جزا*، نشر زرین اندیشمند، ۱۳۹۹.
۸. محقق هرچقان، علیرضا، *سن مسئولیت کیفری از منظر جرم شناسی*، نشر دادگستری، ۱۳۹۰.
۹. مرعشی شوشتری، محمد حسن، *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*، نشر میزان، ۱۳۷۹.
۱۰. موسوی بجنوردی، سید محمد، *اندیشه های حقوقی*، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۶.
۱۱. میر سعیدی، سید منصور، *مسئولیت کیفری؛ قلمرو و ارکان*، نشر میزان، ۱۳۸۳.

## مقاله

۱۲. آبروشن، هوشنگ، علی رضا سایبانی، بهزاد رضوی فرد و حسین غلامی، *چالش‌های حقوقی ناظر بر رشد نوجوانان در قانون مجازات اسلامی*، تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۴۰۰.
۱۳. اسدی، لیلا سادات، *بررسی مفهوم «کودک با رویکرد به حوزه کیفری*، فصلنامه فقه و حقوق خانواده، (ندای صادق)، ۱۳۸۶، سال دوازدهم، شماره ۴۵.

۱۴. پتفت، آدین، محمود عباسی و علیرضا زالی، **واکاوی مفهوم درک « موضوع ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی تحلیلی میان رشته‌های حقوق و علوم اعصاب شناختی، آموزه‌های حقوق کیفری، تیر ۱۴۰۰، دوره ۱۸، شماره ۲۱، صص ۲۸-۳.**
۱۵. تدین، عباس و زینب باقری نژاد، **سن مسئولیت کیفری در کشورهای اروپایی و ایران، مجله تعالی حقوق، ۸۶، شماره ۱۸.**
۱۶. حسینی آهق، مریم و حسین مهرپور، **رابطه بلوغ با مسئولیت کیفری، پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، ۸۹، شماره ۶.**
۱۷. شیرخوانی، پیمان، **اعدام افراد زیر ۱۸ سال در قانون مجازات اسلامی، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، ۱۳۹۵.**
۱۸. صبوری پور، مهدی و فاطمه علوی صدر، **سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۹۲، پژوهش نامه حقوق کیفری، ۱۳۹۴.**
۱۹. محمدی، اصغر، **بررسی تطبیقی سن مسئولیت کیفری در جهان، فصلنامه دادرسی، ۱۳۸۵، شماره ۵۹.**
۲۰. مختاری، محمد حسین، حامد رستمی نجف آبادی و یحیی جهانگیری سهرودی، **واکاوی معنایی اعتبار رشد و کمال عقل در مسئولیت کیفری نوجوانان، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲۴، صص ۳۸۵-۴۱۰.**
۲۱. مهاجر پور، امیر محمد و حمید رضا دانش پرور، **گزیده پزشکی قانونی برای قضات، واحد آموزش و پژوهش پزشکی قانونی استان تهران، ۱۳۹۰.**
۲۲. نجفی توانا، علی، **سن مسئولیت کیفری در اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین المللی، فصلنامه تربیت مدرس علوم انسانی، شماره ۸۴.**

۲۳. موسوی فر، حسین و عاطفه حامدی، نقش سن در تعیین مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان، اولین همایش ملی جهانی‌سازی حقوق کودکان و نوجوانان از دیدگاه حقوقی و روانشناسی، ۱۳۹۷.

۲۴. نگهی، مرجان، مقابله با هرزه نگاری کودکان، بررسی تطبیقی اسناد بین‌المللی و قوانین کیفری ایران، پژوهشگاه حقوق کیفری، سال سوم، پائیز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲، صص ۱۳۵-۱۵۹.

۲۵. هاشمی، نگین، محمد رضا توحیدی و مریم لطفی، مقاله رشد جرایمی و کمال عقل کودک در جرائم مستوجب قصاص در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۰، اسفند ۱۳۹۶، شماره ۳۸، صص ۲۱۱-۲۳۵.

#### قوانین

۲۶. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲۷. قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۲۸. کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹.

۲۹. مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های کیفری یک استان تهران و شعب دیوان عالی کشور.